

۱۳۹۸۱۸۷۳

کودک پولدار، کودک باهوش

(از مجموعه‌ی پدر پولدار، پدر بی پول)

رابرت سیروانی

شارون لستر

حانیه سادات شریعتمداری

سرشناسه: رابرت کیوساکی عنوان و نام پدیدآور: کودک پولدار، کودک باهوش
نویسنده: رابرت کیوساکی، شارون لشر، مترجم: حانیه سادات شریعتمداری
مشخصات نشر: تهران: ریواس، 1394
مشخصات ظاهری: 360 صفحه رقعی
شابک: 1- 85- 7720- 600- 978



نام کتاب: کودک پولدار، کودک باهوش
نویسنده: رابرت کیوساکی
مترجم: حانیه سادات شریعتمداری
ویراستار: سیما فلاح
انتشارات: ریواس
سال و نوبت چاپ: اول - 1395
طراح: سپیده صاحب قلم
صفحه آرای: پروین عینی
لیتوگرافی: راپید گرافیک
چاپ: خاتم

شابک: 1- 85- 7720- 600- 978

تیراژ: 500 نسخه

قیمت: 16000 تومان

دفتر مرکزی: انقلاب کارگر شمالی تقاطع بلوار کشاورز بن بست گیتی

پلاک 2 طبقه 2 واحد 4

تلفن: 09385194368 - 66915918

www.rivasbooks.ir
www.ofoghedoor.com



فهرست مطالب

مقدمه: چرا بانکداران از شما کارنامه‌تان را نمی‌خواهد؟..... ۵

بخش اول: پول یک ایده است..... ۲۱

فصل ۱: تمامی کودکان ثروتمند و باهوش به دنیا می‌آیند..... ۲۳

فصل ۲: آیا فرزند شما نابغه است؟..... ۳۳

فصل ۳: قبل از آنکه به فرزندتان پول دهید، به او قدرت دهید..... ۶۵

فصل ۴: گرمی بخواهد ثروتمند شوید، باید تکلیفاتان را انجام دهید..... ۹۱

فصل ۵: فرزندتان به چه پولی برای برنده شدن نیاز دارد؟..... ۱۱۷

فصل ۶: آیا فرزند شما در بیست و یک سالگی از کار افتاده خواهد شد؟..... ۱۳۳

فصل ۷: آیا فرزند شما قادر خواهد بود قبل از سی سالگی بازنشسته شود؟..... ۱۵۱

بخش ۲: پول شما را ثروتمند نمی‌کند..... ۱۸۱

فصل ۸: بانکدار من هیچ وقت درخواست نکرد کارنامه‌ام را ببیند..... ۱۸۳

فصل ۹: کودکان با بازی کردن، می‌آموزند..... ۲۰۵

فصل ۱۰: چرا پس انداز کنندگان، بازندگان هستند؟..... ۲۲۵

فصل ۱۱: تفاوت بین بدهی خوب و بد..... ۲۴۳

فصل ۱۲: آموزش با پول واقعی..... ۲۵۹

فصل ۱۳: راه‌های دیگر برای افزایش هوش مالی فرزندتان..... ۲۷۳

فصل ۱۴: پول توجیبی برای چیست؟..... ۲۹۱

بخش ۳: نبوغ فرزندتان را کشف کنید..... ۳۰۹

فصل ۱۵: چگونه می‌توانید نبوغ طبیعی فرزندتان را کشف کنید؟..... ۳۱۳

فصل ۱۶: موفقیت، این آزادی را به شما می‌دهد که خودتان باشید..... ۳۴۵

مقدمه



چرا بانکداران از شما کارنامه‌تان را نمی‌خواهد؟

امروزه آموزش بیشتر از هر زمان دیگری در تاریخ، اهمیت دارد. در حالی که عصر صنعتی را پشت سر گذاشتیم و وارد عصر اطلاعات شدیم، ارزش آموزش یک فرد، مدام در حال افزایش است. امروزه سؤال این است، آیا آموزشی که شما یا فرزندتان در مدرسه دریافت می‌کنید، برای مواجهه با چالش‌های این جهان جدید کافی است؟

در عصر صنعتی می‌توانستید به مدرسه بروید، فارغ‌التحصیل شوید و شغل‌تان را آغاز کنید. شما معمولاً به آموزش اضافی برای موفقیت نیاز نداشتید، زیرا همه چیز مانند الان آنقدر به سرعت در حال تغییر نبود. به بیان دیگر، آموزشی که در مدرسه فرا می‌گرفتید، تمام نیازهای کل زندگی‌تان را برآورده می‌کرد.

امروزه میلیون‌ها کودک نسل‌های قبل، برای بازنشسته شدن آماده می‌شوند ولی به اندازه‌ی کافی برای جهان جدیدی که با آن روبه‌رو می‌شوند، آموزش ندیده‌اند. برای اولین بار در طول تاریخ، افراد تحصیل کرده با همان



مشکلات اقتصادی ای مواجه می شوند که افراد تحصیل نکرده با آن مواجه هستند. افراد تحصیل کرده متوجه شده اند برای کسب درآمد بیشتر و داشتن شغلی بهتر نباید صرفاً به مطالبی که در مدرسه و دانشگاه آموخته اند تکیه کنند و باید دانش مالی شان را بالا ببرند.

به زمانی میزان موفقیت آموزشتان را اندازه می گیرید؟

در زمانی میزان موفقیت آموزشتان را اندازه می گیرید؟ آیا کارنامه ای آخری که به فارغ التحصیلی مثلاً در بیست و پنج سالگی می گیرید، میزان موفقیت آموزشتان را تعیین می کند؟ یا بهتر است در شصت و پنج سالگی که بازنشسته می شوید میزان موفقیت آموزشتان را تخمین بزنید؟

روز یکشنبه، ۱۶ ژوئیه سال ۲۰۰۰، برنامه ی محلی آریزونا مقاله ای چاپ کرد که حاکی از آمار ذیل بود. خدمات بیمه ی درمانی تکمیلی هفتصد هزار شهروند سالمند، به دلیل اینکه برای دولت بسیار گران تمام می شد و برای شرکت های بیمه هم سودآور نبود، قطع شد.

آموزش سلامت و آمار رفاه

بر اساس مطالعه ای انجام شده توسط سازمان بهداشت، آمار دشوار رفاه، از هر صد نفر در سن ۶۵ سالگی، یک نفر ثروتمند است، چهار نفر زندگی نسبتاً راحتی دارند، پنج نفر هنوز کار می کنند و پنجاه و شش نفر هنوز به حمایت دولت یا خانواده نیاز دارند و بقیه فوت کرده اند.



این کتاب در مورد ثروتمند شدن نیست. در مورد آن پنجاه و شش نفری است که برایشان نگران هستم و هنوز نیاز به کسی دارند که آنها را حمایت کنند. من از شما یا فرزندان من می‌خواهم که به آن آمار پایان بدهید.

مردم اغلب می‌گویند وقتی که بازنشسته شوم، به پول زیادی نیاز ندارم زیرا هزینه‌های زندگی‌ام کاهش می‌یابد. ممکن است هزینه‌های زندگی شما بعد از بازنشسته شدن کاهش یابد، ولی یک چیز است که اغلب به صورت چشم‌گیری برعکس می‌یابد و آن مراقبت‌های پزشکی است و به همین دلیل در مقاله بالا بیمه تکمیلی هفتصد هزار شهروند سالمند قطع شد، زیرا هزینه بسیار سنگینی برای شرکت‌های بیمه داشت. در چند سال آینده، مراقبت پزشکی برای میلیون‌ها فرد سالخورده، تبدیل به مسئله‌ی مرگ و زندگی خواهد شد. خیلی رک و راست بگویم که اگر پول داشته باشید، احتمال زنده ماندن افزایش خواهد داشت و اگر پول نداشته باشید، احتمال مرگ‌تان!

سؤال این است که آیا آموزش‌هایی که این سالها در مدارس دیدند، آنها را برای مواجهه با چنین مشکل بزرگی در سن پیری آماده کرده بود؟

سؤال بعدی این است: مشکلی که این شهروندان سالمند با آن راجه شدند، چه کمکی به آموزش فرزندان شما می‌کند؟ دو جواب برای این دو سؤال وجود دارد:



پاسخ سؤال اول آن است که در نهایت اگر سالمندان نتوانند خودشان برای مراقبت‌های پزشکی هزینه کنند، فرزندانشان مجبور به انجام آن هستند و باید هزینه‌های پزشکی آنها راپردازند.

در دل پاسخ سؤال دوم، سؤال دیگری نهفته است: آیا در حال حاضر، فرزندان آموزش‌های لازم را می‌بینند تا در سنین بازنشستگی از لحاظ مالی دغدغه نداشته باشند و به کمک‌های دولت و شرکت‌های بیمه نیاز نداشته باشند؟

قوانین تغییر یافته است

در عصر صنعتی، قوانین چنین بودند: به مدرسه برو، نمرات خوب بگیر، شغلی مطمئن با مزایای خوب پیدا کن، کل عمرت را وقف آن شغل کن. بعد از بیست سال یا بیشتر بازنشست سوختگیه‌ی عمرت، دولت یا شرکت‌های بیمه از تو مراقبت خواهند کرد.

در عصر اطلاعات، قوانین تغییر یافته است. اکنون قوانین چنین است: به مدرسه برو، نمرات خوب بگیر، شغلی مطمئن برای خریدت پیدا کن، و کاری کن که بتوانی آن شغل را حفظ کنی. اگر توانستی در آن شغل دوام بیاوری، شغلی جدید پیدا کن و سعی کن در آن دوام بیاوری و امید داشته باشی که عا کن که وقتی به سن شصت و پنج سالگی رسیدی، پول کافی پس‌انداز کرده باشی تا بتوانی راحت زندگی کنی.

در عصر صنعتی، نظریه‌ی آن دوران بر اساس نظریه‌ی انیشتین $E = mc^2$

بود. در عصر اطلاعات، نظریه‌ی حاکم قانون مور است که می‌گوید میزان اطلاعات، هر هجده ماه دو برابر می‌شود. به بیان دیگر، برای اینکه بتوانید با



تغییر و تحولات پیش بروید و از میدان خارج نشوید، باید عملاً هر هجده ماه، همه چیز را از نو فرا گیرید.

در عصر صنعتی، تغییرات آهسته تر بود. آنچه در مدرسه می آموختید، برای مدتی طولانی ارزشمند بود. در عصر اطلاعات، دانسته هایتان به سرعت منسوخ و بی استفاده می شود. اینکه چه چیزهایی آموخته اید مهم است، ولی هم تراز آن، سرعت آموختن و سرعت تغییرتان است و اینکه چقدر قادرید خودتان را با اطلاعات جدید وفق دهید.

والدین مدرسه را نرود اقتصاد خیلی وخیمی بزرگ شدند. برای آنها امنیت شغلی همه چیز بود، به همین دلیل بود که همیشه با هراسی که در صدایشان موج می زد می گفتند: «به مدرسه برو و نمرات خوب بگیر تا بتوانی شغلی مطمئن پیدا کنی».

دیگر تغییرات قابل توجه و سریع در حال ظریف بین عصر صنعتی و عصر اطلاعات:

در عصر صنعتی، کارفرما مسئول طرح باز شستگی شما بود. در عصر اطلاعات، خود کارمند مسئول است. اگر شما به از سن شصت و پنج سالگی، برای تأمین مخارج زندگی تان پول نداشته باشید، این مشکل شماست نه مشکل شرکت. در عصر صنعتی، هرچه مدرسه می شنیدید، ارزشمندتر می شنیدید. در عصر اطلاعات، هرچه مدرسه تر شوید، ارزشتان کمتر می شود.

در عصر صنعتی، اشخاص در تمام عمرشان کارمند باقی می ماندند. در عصر اطلاعات، خیلی از افراد شغل آزاد دارند و برای خودشان کار می کنند.



در عصر صنعتی، کودکان باهوش دکتر و وکیل می شدند و پول پارو می کردند. در عصر اطلاعات، ورزشکاران، بازیگران، و موسیقیدان ها پول پارو می کنند. خیلی از دکترها و افراد متخصص دیگر مثل سابق و به اندازه ی دوران صنعتی پول در نمی آورند.

در عصر صنعتی، اگر شما و خانواده تان به مشکل مالی بر می خوردید، می ترسید روی دولت حساب باز کنید.

وقتی که عصر اطلاعات شروع شد، قول های بیشتر و بیشتری از سیاستمداران برای عصر امنیت اجتماعی و دیگر برنامه های حمایتی دولتی شنیدیم. من و شما به یاد کافی باهوش هستیم که بدانیم وقتی سیاستمداران قول می دهند چیزی را حفظ کنند، احتمال حفظ آن کمتر می شود.

وقتی که تغییری رخ می دهد، معمولاً فرصت وجود دارد. در چند سال گذشته، افراد زیادی توانستند فرصت هایی را در طی دوره ی تغییر شناسایی کنند.

۱. بیل گیتس ثروتمندترین فرد در جهان است. زیرا افراد قدیمی تر در IBM موفق به دیدن بازار و قوانین تغییر یافته شدند. این مجریان قدیمی تر، موفق به دیدن این تغییرات نشدند، سرمایه گذاران IBM در واقع میلیاردها دلار از دست دادند.

۲. امروزه شرکت های عصر اطلاعات را داریم که توسط ۲۰ ساله ها راه اندازی شده اند. آنها شرکت های عصر صنعتی را که ۴۵ ساله ها اداره می کردند خریدند (AOL و Time Warner دو نمونه هستند).



۳. امروزه ۲۰ ساله‌هایی داریم که میلیارد شدند، زیرا مجریان ۴۵ ساله موفق به دیدن فرصت‌هایی که ۲۰ ساله‌ها شدند، نشدند.
۴. امروزه میلیارد‌های ۲۰ ساله‌ی خودساخته‌ای داریم که هیچ وقت شغلی نداشتند و همزمان ۴۵ ساله‌هایی داریم که برای یک شغل جدید، آموزش‌های جدید می‌بینند.
۵. گفته شده که در آینده‌ای نزدیک، افراد از طریق شبکه‌های اینترنتی و اینترنت، برای شغل مورد علاقه‌شان فرم پر می‌کنند و نیازی به حضوری نیست. افرادی که تمایل دارند در یک شغل، بیشتر از یک سال درآمد بیاورند (اهمیت بیشتر) نباید پول زیادی را بابت آن امنیت طلب کنند.
۶. به جای امید برای افتتاح شغلی خوب با شرکتی بزرگ، دانشجویان بیشتر و بیشتری کسب و کار را در خوابگاه‌هایشان شروع می‌کنند. دانشگاه‌ها وارد حتی یک بخش را به دانشجویان اختصاص داده و در توسعه‌ی کسب و کارهای آزمایشی آنان، آنها کمک می‌کند.
۷. و همزمان، نصف کارمندان یکی از بزرگترین شرکت‌های آمریکایی درآمد بسیار کمی دارند. وقتی این کارمندان به دوران سالخوردگی می‌رسند، برایشان چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ آیا آنها آموزش‌های مالی لازم را دیده‌اند تا بتوانند از پس مخارج زندگی‌شان بربیایند؟
۸. به مدرسه نرفتن و تحصیلات از راه دور و در خانه، دیگر امری غیرمعمول نخواهد بود و هر ساله ۱۵ درصد افزایش می‌یابد.

۹. والدین بیشتر و بیشتری به دنبال دیگر نظام‌های آموزشی همچون نظام کاتولیک، والدورف، یا مونتسوری هستند تا فرزندانشان را از نظام آموزش دولتی قدیمی خارج کنند، زیرا نیازهای فرزندانشان را فراهم نمی‌آورد. والدین بیشتر و بیشتری متوجه می‌شوند که آموزش مالی به فرزندانشان از همان دوران کودکی، عامل مهمی برای پیشرفت فرزندشان در کالج است.

۱۰. عدم اطلاعات، تغییراتی اقتصادی را به همراه خواهد آورد که به صورت چند مخیری، شکاف بین داشتن‌ها و نداشتن‌ها را افزایش می‌دهد. برای برخی از مردم، این تغییرات موهبت و برای برخی، مصیبت است و برای برخی دیگر، هیچ تفاوتی ندارد. همان‌طور که پدر پولدارم همیشه می‌گفت: افرادی هستند که باعث تغییر و تحول در دنیا می‌شوند؛ افرادی هم هستند که نظاره‌گر تغییر و تحولات هستند؛ و همچنین افرادی هستند که به گردن چه اتفاقی افتاده؟»

آموزش، بیشتر از هر زمان دیگری اهمیت دارد

آموزش، بیشتر از هر زمان دیگری اهمیت دارد، زیرا سرعت تغییرات بسیار بالاست. برای اولین بار در تاریخ، کسانی که عملکرد خرابی در مدرسه داشتند، با همان چالش‌های اقتصادی کسانی مواجه می‌شوند که عملکرد خوبی نداشتند. همه باید توجه کنیم که وقتی بانکدارمان از ما تراز مالی‌مان را به جای کارنامه می‌خواهد، او در تلاش است تا چیزی را به ما بگوید. این کتاب درباره‌ی چیزهایی است که فرزندانتان باید برای موفقیت شخصی و مالی در جهان واقعی بیاموزند.



آیا آموزشی که امروز فرزندانان دریافت می کنند، آنها را برای آینده ای که با آن مواجه می شوند به اندازه ی کافی آماده می سازد؟
 آیا نظام مدرسه، نیازهای خاص فرزندان را فراهم می آورد؟
 والدین چه می کنند وقتی که فرزندشان مدرسه را دوست ندارد یا در مدرسه ضعیف عمل می کند؟

آیا مرآت خوب، موفقیت حرفه ای و مالی مادام العمر را تضمین می کند؟
 آیا فرزندان حتماً برای یادگیری درس هایش باید به یک مدرسه ی سستی که از آجر و سیمان ساخته شده، برود؟

این کتاب برای چه کسانی است؟

این کتاب برای والدینی برشته شده است که فهمیده اند جهان تغییر کرده است و گمان می کنند که نظام فعلی آموزش ما، نیازهای خاص فرزندانشان را به اندازه ی کافی فراهم نمی آورد. این کتاب برای والدینی نوشته شده است که به جای اینکه تمام مسئولیت ها را به گردن نظام مدرسه بیندازند، مایلند نقش فعال تری را در آموزش فرزندشان داشته باشند. این کتاب نوشته شده تا به والدین کمک کند که فرزندشان را برای رویارویی با جهان واقعی آماده کنند. جهان بعد از تمام شدن مدرسه. این کتاب به خصوص برای والدینی نوشته شده است که:

می خواهند به فرزندشان یاد بدهند چگونه با بالا بردن هوش مالی شان فرصت ها را بقایند.